

چکیده

در حال حاضر، جریان صدر مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جریان سیاسی-اجتماعی عراق محسوب می‌شود و رهبر این جریان، مقتدی صدر، از جایگاه برجسته‌ای در بین سیاسیون عراقی برخوردار است. جریان صدر که در مکتب فکری و عملی آیت‌الله شهید سیدمحمد صدر ریشه دارد، در سال‌های پس از ۲۰۰۳، به تدریج به یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی عراق تبدیل شد و رهبر جوان آن توانست سرمایه اجتماعی قابل توجه این جریان را به سرمایه سیاسی بزرگی تبدیل کند؛ تا حدی که در انتخابات‌های پارلمانی عراق در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱، جریان صدر با کسب بیشترین کرسی پارلمانی به محور تشکیل دولت در عراق تبدیل شد. پس از برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی عراق در اکتبر ۲۰۲۱، در حالی که تصور می‌شد با توجه به پیروزی تقریباً قاطع جریان صدر و کسب ۷۳ کرسی توسط این جریان، دولت جدید عراق به‌زودی تشکیل و پروسه سیاسی تکمیل شود، روند تشکیل دولت با موانع جدی روبه‌رو شد و کماکان چشم‌انداز روشنی برای حل پایدار اختلافات و بن‌بست سیاسی عراق وجود ندارد. این مقاله با مسلم تلقی کردن این پیش‌فرض که جریان صدر و رهبر آن یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیدایش وضع موجود هستند، بررسی کنش صدر در تحولات اخیر را به‌عنوان هدف خود برگزیده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد کنش مقتدی صدر از الگوی کنش‌های پوپولیستی پیروی می‌کند و مقتدی صدر با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی در عرصه‌های ایدئولوژی، گفتمان و کنش سیاسی تلاش می‌کند فضای سیاسی-اجتماعی عراق را به نفع خود مدیریت کند.

واژگان کلیدی

عراق، مقتدی صدر، پوپولیسم

مقدمه

پس از سقوط صدام در آوریل سال ۲۰۰۳، سیاست و حکومت در عراق تحت تأثیر نیروهای سیاسی - اجتماعی جدیدی قرار گرفت که تا پیش از این تاریخ، به دلیل استبداد و اختناق سیاسی رژیم بعث، امکان کنشگری نداشتند. این نیروها که در دوران صدام در قالب اپوزیسیون رژیم حاکم فعالیت می‌کردند، در دوران جدید به کارگزاران اصلی ساخت دولت و حکومت در عراق تبدیل شدند. اتحادیه میهنی، حزب دموکرات، حزب الدعوه، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق^۱ و کنگره ملی عراق اصلی‌ترین احزاب و جریان‌های سیاسی معارض بودند که در هماهنگی و همکاری با یکدیگر، نقش مهمی در شکل‌گیری عراق جدید ایفا کردند. برخی از نیروهای سیاسی، مانند: اتحادیه میهنی، حزب دموکرات و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق که در دوران حاکمیت حزب بعث به دلیل سیاست سرکوب و مشت آهنین این رژیم امکان حیات و فعالیت سیاسی نداشتند، مشی مسلحانه برای مقابله با رژیم بعث را برگزیدند و دارای بازوی نظامی شدند. این تشکل‌ها در دوران جدید برای صیانت از خود و دستاوردهای جدید، بازوهای نظامی‌شان را کماکان حفظ کرده‌اند. این اقدام با فرهنگ سیاسی و نظام عشیره‌ای عراق نیز هماهنگی دارد.

یکی از نیروهای سیاسی مؤثر که در سال‌های پس از سقوط صدام، به تدریج نقش و نفوذ خود در صحنه سیاسی - اجتماعی عراق را افزایش داده، جریان صدر است. این جریان توسط آیت‌الله شهید سیدمحمد صدر حدود یک دهه پیش از سقوط صدام نضج گرفت و به یک جریان عمده اجتماعی در عراق تبدیل شد. ارتقای چشمگیر پایگاه اجتماعی جریان شهید صدر، این جریان را به یک تهدید امنیتی علیه رژیم بعث تبدیل کرد که در نهایت، به ترور ایشان و دو نفر از فرزندان‌شان در ۱۸ فوریه ۱۹۹۸ توسط ایادی صدام منجر شد. پس از شهادت آیت‌الله سیدمحمد صدر، این جریان اجتماعی همچون آتشی در زیر خاکستر در ظاهر خاموش شد.

پس از سقوط صدام و باز شدن فضای سیاسی - اجتماعی در عراق، این جریان اجتماعی توسط فرزند آیت‌الله صدر که در آن زمان ۳۰ ساله بود، احیا شد و در کمتر از دو دهه به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جریان سیاسی - اجتماعی عراق تبدیل شد. مقتدی صدر با تداوم شیوه و مرام پدرش در نحوه ارتباط با مردم، به‌ویژه طبقات فرودست سرمایه اجتماعی درخور توجهی برای خود ایجاد کرد. در ادامه، مقتدی صدر این سرمایه اجتماعی را به

۱. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در سال‌های پس از سقوط صدام به مجلس اعلای اسلامی عراق تغییر نام پیدا کرد.

سرمایه سیاسی تبدیل کرد و در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ و انتخابات زودهنگام پارلمانی در سال ۲۰۲۱ به ترتیب با کسب ۵۴ و ۷۳ کرسی، به جریان سیاسی پیروز در انتخابات و محور تشکیل دولت در عراق تبدیل شد. در حال حاضر، مقتدی صدر مهم‌ترین و مؤثرترین شخصیت سیاسی در عراق به‌شمار می‌رود که می‌تواند در سطح سیاسی و اجتماعی، جریان‌سازی و موج‌آفرینی کند. این جریان به مدد پایگاه اجتماعی قدرتمند خود مشکل از جوانان پرشور به‌شدت پیرو و همچنین بازوی نظامی نسبتاً توانمندی که در اختیار دارد، توانسته است در مقاطع متعددی صحنه سیاسی، اجتماعی و امنیتی عراق را ملتهب و متلاطم کند. حوادثی که قبل، حین و پس از انتخابات زودهنگام پارلمانی ۲۰۲۱ در عراق رخ داده، از کنش‌های مقتدی صدر تأثیر زیادی پذیرفته است.

از آنجا که جریان صدر شخص محور و قائم به فرد است که به صورت مطلق تحت تأثیر اندیشه، گفتار و رفتار مقتدی صدر قرار دارد، رفتارشناسی مقتدی می‌تواند تا حد زیادی شرایط کنونی عراق را تبیین کند. بر این اساس، این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها و روش توصیفی - تحلیلی در تبیین و تحلیل آنها به دنبال پاسخ به این سؤال است: کنش مقتدی صدر در عراق با تأکید بر تحولات اخیر تابع چه الگویی بوده است؟

۱. مبانی نظری پوپولیسم

اصطلاح پوپولیسم^۱ در واژه یونانی پوپولوس^۲ به معنی «مردم» ریشه دارد. مفهوم پوپولیسم برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم به کار رفت. جنبش‌های دهقانی اروپای شرقی و منطقه بالکان در سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم که طرفدار برنامه‌های اصلاحات و تقسیم مساوی اراضی بین مردم بودند و آن را ستون‌های بنیادی جامعه و اقتصاد می‌دانستند نیز در زمره جنبش‌های پوپولیستی قرار داشتند (نظری و سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

پوپولیسم پدیده‌ای چندوجهی است که ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. به لحاظ سیاسی، پوپولیسم دارای رهبری کاریزماتیک است که رابطه‌ای مستقیم و بی‌واسطه با توده‌ها دارد (Urrutia, ۱۹۹۱: ۳۷۷). در پوپولیسم گرایش‌های ضدنخبه‌گرایانه برجسته است (Mouzelis, ۱۹۸۵: ۳۷۵) و بسیج سیاسی توده‌ها یک ضرورت به‌شمار

۱. Populisme

۲. Populus



می‌آید. از حیث اجتماعی، پایگاه اجتماعی پوپولیست‌ها در میان طبقات متوسط، فرودست و حاشیه‌نشین روستایی و شهری قرار دارد (Suter, ۱۹۹۴: ۱۸۷). از لحاظ اقتصادی نیز پوپولیسم بر سیاست‌های بازتوزیعی و رفاهی به نفع همین طبقات استوار است (حاتمی، ۱۳۹۴: ۴).

یان ورنر مولر^۱ حکومت‌های پوپولیستی را واجد سه ویژگی می‌داند:

۱. تلاش برای ربودن تشکیلات دولت؛

۲. فساد و حامی‌پروری توده‌ای؛

۳. تلاش هدفمند برای سرکوب جامعه مدنی.

از نظر مولر، پوپولیست‌ها تلاش می‌کنند با ادعای در اختیار داشتن نمایندگی انحصاری مردم و نمایش‌های باشکوهی از این نمایندگی، خودشان و اقداماتشان را مشروع جلوه دهند. بنابراین، کسب حمایت مردم یا داعیه داشتن حمایت مردم یکی از مفاهیم مرکزی در نظریه پوپولیسم است. پوپولیسم در اشکال افراطی آن، باعث می‌شود حمایت مردم از پوپولیست‌ها حتی در شرایط بحرانی که آنها به فساد و ناکارآمدی متهم هستند، ادامه پیدا کند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۷۵). ژاک رانسیر^۲ نیز برای پوپولیسم سه ویژگی کلیدی معرفی کرده است:

▪ پوپولیسم به‌طور مستقیم مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و نمایندگان و شخصیت‌های آنها را نادیده می‌گیرد؛

▪ پوپولیسم ابتدای خود را بر هویت‌سازی و تحریک هویت‌ها قرار می‌دهد و برای این کار، غیریت‌سازی می‌کند؛

▪ پوپولیسم به دنبال قبولانندن این باور در مخاطبان خود است که حکومت‌ها و نخبگان، منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و دغدغه منافع عمومی مردم را ندارند.

به‌طورکلی، پوپولیست‌ها رویکرد ضدنخبگانی دارند و با مخاطب قرار دادن مردم به‌طور مستقیم، خود را مدافع آنها و پیگیر منافعشان معرفی می‌کنند. آنها با اشاره به وضعیت ناگوار مردم تلاش می‌کنند جامعه را دوقطبی کنند و مردم را در مقابل نخبگان، حکومت یا جریان‌ها و احزاب رقیب قرار دهند. پوپولیست‌ها تنها دو راه برای مردم معرفی می‌کنند و راه سومی را در نظر نمی‌گیرند. راه اول مسیر پیشنهادی آنان است که مردم را به سعادت می‌رساند و راه دوم که راه

۱. Jan-Werner Müller

۲. Jacques Rancière

دیگران است، مردم را در مسیر بدبختی و فلاکت قرار می‌دهد. علاوه بر این، پوپولیست‌ها خود را تنها فرد یا جریانی معرفی می‌کنند که قادر است وضع موجود را به نفع مردم تغییر دهد (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۷۱).

از حیث کاربردی و رویکردی، پوپولیسم به مثابه ابزاری مفهومی و تحلیلی به اشکال مختلفی به کار گرفته شده است. بونیکوفسکی^۱ و گیدرون^۲ سه رویکرد مفهومی عمده را در مورد پوپولیسم مورد شناسایی قرار داده‌اند. پوپولیسم به مثابه ایدئولوژی، پوپولیسم به منزله سبک یا الگوی گفتمانی و پوپولیسم به عنوان شکلی از راهبرد یا کنش سیاسی (Bonikowski & Gidron, ۲۰۱۳: ۷-۸).

(الف) پوپولیسم به مثابه ایدئولوژی

در پوپولیسم به مثابه ایدئولوژی، پوپولیست‌ها با طرح یک ایدئولوژی سطحی و نازل، جامعه را به دو گروه همگن و متضاد با یکدیگر تقسیم می‌کنند. مایکل فریدن^۳ در توضیح ایدئولوژی محدود یا سطحی می‌گوید: «ایدئولوژی تنک‌مایه یا محدود شامل آن ایدئولوژی‌هایی می‌شود که ریخت‌شناسی واژگانی آنها، یعنی صورت‌بندی و الگوهای مفهومی‌شان کفایت نمی‌کند تا راه‌حل‌های همه‌جانبه و کامل برای تمام گستره مشکلات سیاسی - اجتماعی در دسترس قرار گیرد و این مشکلات همان است که خانواده‌های ایدئولوژیک بزرگ به رسم معمول خود، برای آنها همواره اندیشیده‌اند. ایدئولوژی‌های تنک‌مایه از ارائه برنامه‌های خاص خود، برای مثال درباره عدالت اجتماعی یا شرایط شکوفایی فردی خودداری می‌کنند. همچنین خود را به اساسی سست، یعنی یک یا دو موضوع در حمایت از یک گفتمان سیاسی محدود می‌کنند، یا اینکه این ایده‌ها را از جایی وام می‌گیرند یا با حاشیه زدن به ایدئولوژی‌های دیگر، سعی در پرورش محتوا برای خود دارند» (حسینی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۷، به نقل از مایکل فریدن).

از آنجا که پوپولیست‌ها فاقد ایدئولوژی مشخصی هستند، بنا به اقتضائات محیطی به ایدئولوژی‌های مختلف، متنوع و حتی متضاد متمسک می‌شوند و گاهی از آغوش لیبرالیسم به آغوش سوسیالیسم و گاهی از آغوش اسلام‌گرایی به آغوش سکولاریسم می‌غلطند.

۱. Bonikowski

۲. Gidron

۳. Michael Freeden





پوپولیست‌ها از حیث ایدئولوژیک بسیار متلون‌اند و برای دستیابی به منافع خود، از ایدئولوژی‌ها استفاده ابزاری می‌کنند. اگر پوپولیست‌ها ظرف ایدئولوژیکی مناسبی برای ابراز وجود پیدا نکنند، از طریق پیوند دادن برخی مفاهیم - که برای مردم جذابیت دارد - با یکدیگر و حتی ارائه یک ایدئولوژی التقاطی تلاش می‌کنند تا توجه و حمایت مردم را جلب کنند (حسینی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۸).

ب) پوپولیسم به‌منزله سبک گفتمانی

با وجود شباهت‌های رویکردهای ایدئولوژیک و گفتمانی در مطالعه پوپولیسم، تفاوت‌های ظریفی نیز میان آنها وجود دارد. لاکلاو^۱ پوپولیسم را منطق سیاسی خاصی می‌داند که هژمونی موجود را از طریق ساخت گفتمانی منسجمی که توانایی تقسیم جامعه به دو بلوک نخبگان و صاحبان قدرت از یک‌سو، و بلوک مردم از سوی دیگر را دارد، به چالش می‌کشد. از نظر لاکلاو، این گفتمان‌ها به شکل تصادفی ایجاد نمی‌شوند، بلکه در نتیجه یک فرایند سه مرحله‌ای پدید می‌آیند:

۱. ایجاد پیوند بین خواسته‌ها و مطالبات مختلف؛
۲. شکل دادن به یک هویت جمعی از طریق تعیین و به‌رسمیت شناختن یک دشمن (غیریت‌سازی)؛
۳. کسب نمایندگی مردم (حسینی‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۹، به نقل از: Laclau, ۲۰۰۵).

ج) پوپولیسم به‌عنوان یک راهبرد سیاسی

در رویکرد راهبرد سیاسی، پوپولیسم در سه شاخه متمایز «شیوه سیاست‌گذاری»، «سازمان سیاسی» و «بسیج» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

- شیوه سیاست‌گذاری: برخی از پوپولیست‌ها با طرح سیاست‌های خاص اقتصادی به‌دنبال جلب حمایت مردمی هستند. توزیع مجدد منابع اقتصادی و واگذاری زمین از طریق اصلاحات ارضی که عمدتاً فاقد پشتوانه کارشناسی هستند، در زمره سیاست‌های پوپولیستی محسوب می‌شوند.

- سازمان سیاسی: پوپولیسم در صورت تحقق، در قالب یک سازمان سیاسی قابل مطالعه است؛ زمانی که یک رهبری شخصی شده به‌دنبال یا در حال اعمال قدرت بر اساس پشتیبانی

۱. Laclau

مستقیم، بی واسطه و نهادینه نشده تعداد زیادی از پیروان عمدتاً سازمان نیافته است.

- بسیج: یکی از اهداف اساسی در پوپولیسیم، بسیج‌گری سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف است. در پوپولیسیم، بسیج سیاسی از بالا به پایین توسط پوپولیست‌ها صورت می‌گیرد و باعث اعمال فشار بر نخبگان و صاحبان قدرت می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۰).

رویکردهای سه‌گانه به پوپولیسیم

پوپولیسیم	ایدئولوژی: مجموعه‌ای از ایده‌های مرتبط با یکدیگر در مورد سرشت سیاست و جامعه
به‌مثابه:	گفتمان: شیوه بیان ادعاها و خواسته‌ها در مورد سیاست
	راهبرد سیاسی: شکلی از بسیج و سازماندهی مردم

۲. پیشینه‌شناسی جریان صدر

هنگامی که آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، مرجع عالی شیعیان عراق، در سال ۱۹۹۲ وفات یافت، در مورد انتقال جایگاه ایشان به آیت‌الله سید محمد صدر یا آیت‌الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری اختلاف نظر به وجود آمد. در حالی که اغلب مقلدین آیت‌الله خوئی به آیت‌الله سبزواری و پس از ارتحال آیت‌الله سبزواری به آیت‌الله سیستانی رجوع کردند، برخی از مردم نیز آیت‌الله سید محمد صدر را به‌عنوان مرجع تقلید خود برگزیدند. در مورد گرایش برخی از مردم به آیت‌الله سید محمد صدر دو دیدگاه «پروژه‌محور» و «پروسه‌محور» وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول، عده‌ای معتقدند در ادامه خیزش شیعیان عراق پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که به «انتفاضه شعبانیه» معروف است، صدام که رژیمش در آستانه فروپاشی بود، راهبردی دوگانه برای جلوگیری از چنین شورش‌هایی در آینده تدوین کرد. صدام به دنبال احیای اعتبار مذهبی خود از طریق افزایش رفتارهای مذهبی به‌طور علنی و به حاشیه راندن رهبری حوزه در نجف بود؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از رهبران مذهبی در نجف ایرانی‌تبار بودند و این موضوع برای صدام و بعضی‌ها که از ایرانی‌ها به‌شدت متنفر بودند، قابل قبول نبود (Giantz, ۲۰۰۵: ۲۸). صدام به دنبال آن بود تا رهبری مذهبی شیعیان عراق را یک عراقی به دست بگیرد. در چنین شرایطی، یک شخصیت دینی عراقی به نام آیت‌الله سید محمد صدر (پسر عموی آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر) به یک





شخصیت برجسته مذهبی در عراق تبدیل شد (Jabar, ۲۰۰۴: ۲۳۴).

براساس دیدگاه دوم (پروسه‌محور)، پس از جنگ عراق علیه کویت، صدام سیاستی را با عنوان «الحمله‌الایمانیه» آغاز کرد. در حالی که تا پیش از این، اقامه نماز و قرائت قرآن در نهادهای اداری و نظامی ممنوع بود و با افراد متخلف به شدت برخورد می‌شد، بر اساس رویکرد جدید صدام اعضای حزب بعث و تمام کارکنان اداری و نظامی موظف به تظاهر به دین‌داری در بین مردم شدند. همچنین فضای مناسبی برای فعالیت اسلام‌گرایان سنی (سلفی‌ها) به وجود آمد و عراق به یک محل امن برای فعالیت سلفی‌ها تبدیل شد. در پی این رویکرد جدید، ارتباط وثیقی بین افسران ارتش و نهادهای امنیتی با عناصر سلفی برقرار شد. آیت‌الله سیدمحمد صدر نیز از فضای باز مذهبی ایجادشده استفاده کرد و فعالیت خود را گسترش داد. پس از مطرح شدن آیت‌الله سیدمحمد صدر به عنوان یک شخصیت دینی برجسته، ایشان توانست پایگاه اجتماعی درخور توجهی به دست آورد. هزاران نفر در نماز جمعه که به امامت ایشان در کوفه برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند. مردم بصره خود را به سختی به کوفه می‌رساندند تا بتوانند در نماز مسجد کوفه شرکت کنند. حزب بعث نیز راه را برای آیت‌الله صدر باز کرد تا ضمن کنترل جریان‌های اسلامی شیعه، طرح خود مبنی بر مرجعیت عربی را پیش ببرد.

آیت‌الله سیدمحمد صدر توانست با اقامه نماز جمعه در مسجد کوفه و با تأسیس يك فقه اجتماعی تأثیر زیادی در جامعه شیعیان عراق بگذارد (رؤوف، ۲۰۰۱: ۵۰۵). آیت‌الله صدر تلاش کرد تا نمایی جدید از يك رهبر دینی و مرجعیت ارائه کند. او خود را یک شخصیت میدانی و متواضع نشان می‌داد که رنج‌ها و دردهای مردم را درك می‌کند و از دغدغه‌های آنان آگاه است و در رنج‌ها، بحران‌ها و اوضاع خطرناك اجتماعی در کنار آنها حضور دارد (رؤوف، ۱۹۹۹: ۱۷۱).

رژیم بعث در ابتدا، در مقابل اقدامات آیت‌الله سیدمحمد صدر سکوت می‌کرد؛ اما در ادامه نتوانست اقدامات وی را تحمل کند. پس از دوره‌ای از انفعال رژیم که در طول آن، آیت‌الله سیدمحمد صدر از تحمل‌پذیری صدام و رژیم بعث برای ایجاد شبکه‌ای از روحانیون و فعالان وفادار در میان شیعیان فقیر بهره‌برداری کرد، وی رویارویی غیرمستقیم با رژیم را آغاز کرد (Jabar, ۲۰۰۴: ۲۳۵). آیت‌الله صدر از پیشینه عربی خود به عنوان ابزاری برای افزایش مشروعیتش در چشم شیعیان عراق استفاده کرد و به صورت غیرمستقیم و

کتابه‌آمیز، حکومت ناعادلانه و غیراسلامی موجود را مورد هجمه قرار داد. آیت‌الله سیدمحمد صدر با طرفداری از نقشی فعال‌تر برای مراجع، مفاهیم و اندیشه‌های شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در مورد ضرورت فعالیت سیاسی روحانیت را با نظریه «حوزه علمیه منتقد در مقابل حوزه علمیه منفعل» بازتعریف کرد و حوزه علمیه نجف به رهبری آیت‌الله سیستانی را به علت آنچه که وی انفعال در برابر سرکوب می‌خواند، مورد انتقاد قرار داد (Jabar, ۲۰۰۴: ۲۳۷).

همچنین آیت‌الله سیدمحمد صدر برخی رهبران مذهبی، مانند شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را که به‌زعم ایشان برای حفظ جان از عراق گریخته و هدایت و دلداری دادن به مردم را رها کرده بودند، سرزنش می‌کرد. ایشان برای اثبات آمادگی خود برای شهادت، با کفن در ملاء عام حضور پیدا می‌کرد؛ اقدام نمادینی که بعدها فرزند او مقتدی صدر نیز بارها تکرار کرد. آیت‌الله سیدمحمد صدر از اندیشه ولایت فقیه امام خمینی (ره) حمایت می‌کرد و خواستار ایجاد کشوری اسلامی در عراق تحت حاکمیت روحانیون شد. ایشان سخنرانی‌های آتشینی علیه آمریکا، اسرائیل و صدام به‌عنوان دشمنان اسلام ایراد می‌کرد (International Crisis Group, ۲۰۰۷: ۲-۱۵).

به‌تدریج، آیت‌الله صدر پایگاه قدرتمندی در محله‌های فقیرنشین بغداد پیدا کرد که ساکنان آن را مهاجرانی تشکیل می‌دادند که برای کار به بغداد مهاجرت کرده بودند. پیروان ایشان را مهاجران شهری حاشیه‌نشین شیعه تشکیل می‌دادند که جنبش صدر جایگزین نظام حمایتی قبیله‌ای و خانوادگی آنان شده بود (Latif, ۲۰۰۷). آیت‌الله صدر سیستم دادگاه‌های مذهبی، خدمات پزشکی و توزیع غذا را سازمان‌دهی کرد و زمینه ظهور سازمان‌های موازی را - که بعدها مقتدی صدر آنها را توسعه داد - فراهم کرد. این اقدامات باعث تقویت پایگاه اجتماعی ایشان در جامعه عراق شد.

رابطه رژیم با ایشان در پی دستگیر شدن تعداد زیادی از استادان و طلاب حوزه علمیه به دشمنی کشیده شد؛ زیرا آیت‌الله سیدمحمد صدر از منبر نماز جمعه کوفه خواهان آزادی بازداشت‌شدگان شد و به هشدادهای مقام‌های امنیتی در این زمینه توجهی نکرد. نگرانی رژیم صدام از تحریک شیعیان توسط آیت‌الله صدر باعث شد ایشان در ۱۹ فوریه ۱۹۹۹ در حالی که به همراه دو تن از فرزندان به سمت دفتر خود در نجف در حال حرکت بودند، توسط گروهی مسلح وابسته به سازمان امن الخاص - که زیر نظر قصی صدام اداره می‌شد -

ترور شوند (۲۰۰۴، al-Amin).

شهادت آیت‌الله سیدمحمد صدر همانند شهادت پسر عموی ایشان، آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، ضربه سختی به شیعیان مذهبی عراق وارد کرد. خبر شهادت ایشان با تظاهرات‌های گسترده‌ای که به شورش انجامید، همراه شد. رژیم صدام به‌منظور کنترل این شورش، بیش از ۲۰۰ نفر از تظاهرکنندگان را به شهادت رساند. مقتدی صدر که در زمان شهادت پدرش ۲۵ ساله بود و تنها عضو باقی‌مانده از خاندان صدر به‌شمار می‌آمد، تا سقوط صدام اقدام خاصی انجام نداد و در میان مردم ظاهر نشد (Murphy, ۲۰۰۴).

۳. وضعیت‌شناسی جریان صدر پس از ۲۰۰۳

نام مقتدی صدر، کوچک‌ترین پسر آیت‌الله سیدمحمد صدر، در اولین روزهای اشغال عراق در جریان متهم شدن طرفدارانش به ترور سیدعبدالمجید خویی، فرزند آیت‌الله خویی، بر سر زبان‌ها افتاد. در ادامه، موضع‌گیری‌های تند و آتشین درباره مسائل سیاسی عراق و بر عهده گرفتن امامت جمعه مسجد تاریخی کوفه او را به یکی از چهره‌های سیاسی و مذهبی مهم در عراق تبدیل کرد. پس از اشغال عراق توسط آمریکا و نیروهای ائتلاف، این جریان به‌سرعت گسترش پیدا کرد و توانست هواداران زیادی از شیعیان فقیر را جذب و پایگاه اجتماعی گذشته‌اش را بازسازی کند. هواداران جریان صدر را عمدتاً طیف وسیعی از جوانان بسیار عاطفی و احساساتی تشکیل می‌دهند که بسیاری از آنها علاقه وافری به مقتدی صدر، رهبر این جریان دارند (International Crisis Group, ۲۰۰۷: ۱۹ – ۲۳). محبوبیت مقتدی صدر در عوامل ذیل ریشه دارد:

۱. انتساب به خاندان صدر؛
۲. طرح شعارهای مساوات‌طلبانه و عدالت‌جو یانه؛
۳. مهارت در خطابه و سخنوری؛
۴. استفاده از مناسبت‌ها و تریبون‌های مذهبی؛
۵. استفاده از ظرفیت طلبه‌های جوان حوزه‌های علمیه؛
۶. گسترش فعالیت‌ها در همه مناطق عراق، به‌ویژه مناطق عشایری و سعی در جلب اعتماد عشایر؛
۷. تبدیل شدن به نماد مقاومت؛
۸. زهد، پارسایی و عدم مال‌اندوزی؛

۹. فعالیت نمایندگان وی در سراسر عراق در اموری، مانند: انتخاب ائمه جمعه و جماعات؛

۱۰. مبارزه جدی با مظاهر فساد (بی‌حجابی، توزیع مشروبات الکلی و غیره)؛

۱۱. تبدیل دانشگاه‌ها و حسینیه‌ها به مراکز فعالیت و نفوذ؛

۱۲. تعمیم ارزش‌های دینی، مانند تغییر نام خیابان‌ها و شهرها به اسامی مقدس؛

۱۳. حمایت از محرومان و مستضعفان از طریق شبکه‌ای از بنیادهای خیریه.

در حال حاضر، مقتدی صدر در نیمه جنوبی عراق، به‌ویژه در مناطق فقیر و حاشیه‌نشین دارای پایگاه اجتماعی است (۱۸: ۲۰۰۶، International Crisis Group). صدری‌ها به‌عنوان جنبش محرومان، چالشی واقعی برای سیاست‌های مبتنی بر طبقه متوسط مجلس اعلی و حزب الدعوه محسوب می‌شوند. همچنین چالشی علیه دستگاه مذهبی شیعه به‌شمار می‌روند که از عدم آموزش مذهبی رسمی صدر و طرفداران وی انتقاد می‌کنند. برخلاف مجلس اعلی و حزب الدعوه، صدری‌ها از همان آغاز سقوط رژیم صدام به‌شدت و به‌طور مداوم با حضور نیروهای خارجی در عراق و نظام فدرالیسم مخالفت کرده‌اند. آنها در مقایسه با مجلس اعلی و سایر جریان‌های سیاسی عراقی لحن ملی‌گرایانه عربی بیشتری دارند و گفتمان آنها بر اسلام‌گرایی، مخالفت با فدرالیسم و اشغالگری مبتنی بوده است (۳۲: ۲۰۰۸، International Crisis Group).

جریان صدر از ضابطه‌مندی متعارف حزبی بی‌بهره است. این جریان بر مبنای شخصیت و نفوذ مقتدی صدر تشخیص یافته است و جایگاه افراد در آن، بر اساس نزدیک یا دور بودن از مقتدی صدر مشخص می‌شود. آنچه جریان صدر را به‌عنوان یک جریان زنده و فعال در عرصه تحولات سیاسی عراق مطرح کرده است، وفاداری مطلق هواداران به مقتدی صدر است. جایگاه مقتدی صدر در این جریان به حدی است که برای بررسی عملکرد این جریان باید عملکرد او را مورد مطالعه قرار داد.

۴. ایدئولوژی مقتدی صدر: اسلام‌گرایی

جریان صدر در زمره جریان‌های اسلام‌گرای عراق قرار می‌گیرد. سابقه جریان صدر و انتساب آن به یکی از خاندان‌های خوشنام عراقی که روحانیون عالی‌قدر زیادی را به جامعه عراق تقدیم کرده، اسلام‌گرایی را به بخش لاینفک ایدئولوژی و هویت جریان صدر تبدیل کرده است. مقتدی صدر نیز در دوران رهبری جریان صدر همواره با اتکا به دین و اصول و

مبانی آن ایده‌پردازی کرده است. ایدئولوژی شهید آیت‌الله سید محمد صدر و فرزندش مقتدی صدر در چارچوب قرائت‌های مختلف موجود از اسلام سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد. ایدئولوژی جریان صدر، مانند ایدئولوژی بسیاری از جنبش‌ها و جریان‌های اسلام‌گرای جهان اسلام از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است.

در تحلیل ایدئولوژی یک جریان سیاسی، باید نسبت ایدئولوژی آن جریان با عملکردش را مقایسه کرد. در صورت انطباق عملکرد یک جریان سیاسی با ایدئولوژی آن، صدق آن جریان سیاسی در التزام واقعی به ایدئولوژی مورد ادعا آشکار می‌شود. در غیر این صورت، جریان سیاسی مذکور از ایدئولوژی به‌مثابه ابزاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده کرده است. در مورد جریان صدر، مصادیق آشکار و متعددی از عدم انطباق کنش رهبر این جریان سیاسی با ایدئولوژی اسلام‌گرایی مورد ادعای ایشان وجود دارد. برای مثال، در حالی که مقتدی صدر بارها بر ضرورت قرار گرفتن جامعه و حکومت در مسیر اسلام تأکید کرده و احزاب و جریان‌های علمانی، الحادی و شیوعی را نقد و نفی کرده است، جریان صدر در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ در قالب ائتلاف سائرون، با شیوعی‌ها (کمونیست‌ها) تشریک مساعی کرد. بنابراین، اسلام‌گرایی مورد ادعای مقتدی صدر بیش از آنکه واجد جنبه‌های عمیق اعتقادی باشد، ابزاری برای دستیابی به اهداف خاص سیاسی است.

۵. گفتمان مقتدی صدر

جریان صدر دارای پایگاه اجتماعی درخور توجهی در عراق است. این پایگاه اجتماعی عمدتاً تحت تأثیر گفتمان رهبر این جریان شکل گرفته است. گفتمان انتقادی و تهاجمی مقتدی صدر هرازچندگاهی این جریان را در مرکز تحولات و بحران‌های سیاسی و امنیتی عراق قرار می‌دهد. در ادامه، به مهم‌ترین محورهای گفتمان سیاسی جریان صدر اشاره می‌شود.

۱.۵. تشکیل حکومت اسلامی و اجرای شریعت اسلامی

جریان صدر با دفاع آشکار و صریح از دولت اسلامی در عراق، خواهان ایجاد يك دولت اسلامی با محوریت شیعیان، مانند ایران ولی مستقل از آن در عراق است. مقتدی صدر در اولین موضع خود درباره نظام سیاسی آینده عراق در يك کنفرانس مطبوعاتی در مورخ ۸۲/۲/۱۶ با تأکید بر اینکه اکثریت مردم عراق شیعه هستند، اعلام کرد که رئیس حکومت آینده نیز حتماً باید شیعه باشد. وی در ادامه تأکید کرد: «ما دنبال حکومت شیعی به سبک

ایران در عراق نیستیم و بر نظام سیاسی مبتنی بر قانون اسلامی و تکررگرای تأکید می‌کنیم.» در عین حال، مقتدی صدر در جریان سفر به ایران و دیدار با سیدحسن خمینی، ولایت فقیه و حکومت ایران را بهترین حکومت‌ها برشمرد و ابراز امیدواری کرد که حکومتی مشابه آن در عراق تحقق یابد.

۲-۵. مقاومت ضدآمریکایی و مخالفت با مداخله خارجی

در ابتدای اشغال عراق توسط آمریکا، جریان صدر رادیکال‌ترین و سرسخت‌ترین گروه شیعه دشمن آمریکا در عراق محسوب می‌شدند. مقتدی صدر از معدود رهبران سیاسی شیعه عراق بود که به‌طور صریح، مخالفت خود را با حضور آمریکایی‌ها در عراق و تداوم اشغالگری آنها اعلام می‌کرد. مخالفت او با اشغالگری آمریکایی‌ها از همان ابتدای اشغال عراق آغاز شد (عطوان، ۱۳۹۱: ۱۹۸). بنابراین، مقاومت ضداشغالگری علاوه بر سویه سنی، در سویه شیعی نیز شکل گرفت و مقتدی صدر جلوه و نماد بارزی از مقاومت شیعی ضداشغالگری بود.

در ابتدای اشغال عراق توسط آمریکا، «پل برمر»^۱ حاکم غیرنظامی عراق با دعوت از مقتدی صدر برای عضویت در شورای حکومتی (مجلس حکم) می‌خواست آشوب‌ها و اعتراضات هواداران جریان صدر علیه آمریکایی‌ها را کنترل کند. اما مقتدی صدر با غیرقانونی دانستن مجلس حکومتی، این دعوت را رد کرد. در ادامه تلاش‌ها برای متقاعد کردن مقتدی صدر به ضرورت صلح و ثبات و حل امور از طریق راه‌های سیاسی، هیئت‌هایی از طرف اعضای شورای حکومتی برای ملاقات با او اعزام شدند. اما این تلاش‌ها موجب سرسختی بیشتر مقتدی و شدیدتر شدن لحن او برضدآمریکا شد. پس از ناامیدی از مجاب کردن مقتدی صدر در اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز، آمریکایی‌ها حکم بازداشت او را به اتهام قتل سیدعبدالمجید خویی، فرزند آیت‌الله خویی صادر کردند. این اقدام آمریکایی‌ها واکنش مقتدی صدر را در پی داشت. او اعلام کرد که جیش‌المهدی را با هدف دفاع از حوزه علمیه تأسیس کرده است (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

مخالفت مقتدی صدر با آمریکایی‌ها اگرچه در سطح میدانی در سال ۲۰۰۸ فروکش کرد، اما در سطح گفتمانی تا امروز ادامه پیدا کرده است. مقتدی صدر هرازچندگاهی





عملکرد آمریکا در عراق را مورد انتقاد قرار می‌دهد و حتی برای حمله به مخالفان خود، آنها را وابسته به آمریکا معرفی می‌کند. در پی ترور شهید سلیمانی و شهید ابومهدی توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق، راهپیمایی سراسری بزرگی در عراق به دعوت مقتدی صدر در محکومیت این اقدام برگزار شد. در جریان بررسی پیش‌نویس قانون خروج نیروهای آمریکایی از عراق در پارلمان، نمایندگان وابسته به جریان صدر از این پیش‌نویس حمایت و به آن رأی مثبت دادند.

۳-۵. مقاومت ضدصهیونیستی

یکی از محورهای گفتمانی مقتدی صدر، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و اعتقاد به ضرورت مقابله با آن است. مقتدی صدر بارها از مقاومت ضدصهیونیستی دفاع کرده و خواستار مبارزه تا آزادی قدس شریف شده است. در پی آغاز روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، نمایندگان جریان صدر در پارلمان عراق، طرح «ممنوعیت عادی‌سازی و برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی» را در پارلمان ارائه کردند. این طرح پس از بحث و بررسی، در نهایت با عنوان قانون «جرم‌انگاری عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی» در ۵ خرداد ۱۴۰۱ به تصویب نمایندگان پارلمان عراق رسید. مقتدی صدر پس از تصویب این قانون، با تشکر از همه کسانی که به این طرح رأی دادند، مردم عراق را به اقامه نماز شکر و حضور در خیابان‌ها برای ابراز شادی دعوت کرد (ایرنا، ۱۴۰۱).

۴-۵. اقتدار دولت

طی سال‌های اخیر، مقتدی صدر همواره بر اقتدار و سلطه دولت عراق تأکید داشته است. در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱، شعار «حصر السلاح بيد الدولة» بارها توسط مقتدی صدر مطرح شد؛ با این استدلال که با حذف گروه‌های شبه‌نظامی که به احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته‌اند، باید اقتدار دولت تقویت شود. این شعار توسط مقتدی صدر در حالی مطرح می‌شود که از سال ۲۰۰۳ تاکنون، جریان صدر دارای بازوهای نظامی متعددی با عناوینی مانند: «جیش المهدی» و «لواء یوم الموعود» بوده است و در حال حاضر، گروه نظامی «سرایا السلام» به‌طور مستقیم تحت فرمان مقتدی صدر است و در چارچوب تدابیر و اوامر او عمل می‌کند. علاوه بر این، بررسی عملکرد جریان صدر نشان می‌دهد که هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی شیعه به اندازه جریان صدر باعث تضعیف قدرت دولت

مرکزی عراق نشده‌اند.

در درگیری‌های نجف که در دو مقطع ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ رخ داد و جیش‌المهدی به‌عنوان بازوی نظامی جریان صدر در یک مقطع با مجلس اعلی و در مقطعی دیگر، با دولت مرکزی وارد درگیری مسلحانه شد، مرجعیت با مداخله به‌موقع خود، مانع از بروز فاجعه و کشتار شد. در آن مقطع، در حالی که آمریکایی‌ها خواستار سرکوب و قلع و قمع طرفداران مقتدی صدر بودند، جمهوری اسلامی ایران سرکوب و قلع و قمع یک جریان شیعه توسط یک جریان شیعه دیگر یا دولت مرکزی را به صلاح شیعیان عراق نمی‌دانست. در سال ۲۰۰۴، صدری‌ها که از مجلس اعلی روی‌گردان بودند و آنها را عرب نمی‌دانستند، ۱۱۰ دفتر مجلس اعلی در عراق را آتش زدند و درگیری شدیدی آغاز شد. در سال ۲۰۰۶ نیز که دولت مرکزی عراق به نخست‌وزیری مالکی، خلع سلاح جیش‌المهدی را در دستورکار خود قرار داد، جنگ دوم نجف آغاز شد. در هر دو مرحله، مرجعیت بنا به درخواست جمهوری اسلامی ایران مداخله کردند.

نمونه اخیر از تضعیف سلطه دولت، به درگیری‌های خونین آگوست ۲۰۲۲ در منطقه خضرا بازمی‌گردد. نیروهای سرایا‌السلام در پی اعلام کناره‌گیری مقتدی صدر از سیاست در ۲۹ آگوست ۲۰۲۲، حمله مسلحانه سنگینی را علیه مقر نهادهای قانونی عراق در منطقه خضرا آغاز کردند که به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر منجر شد. اگرچه این درگیری‌ها با پیام مقتدی صدر در کمتر از ۲۴ ساعت به پایان رسید، اما تنش‌های پراکنده با محوریت نیروهای نظامی وابسته به جریان صدر کماکان ادامه پیدا کرد.

۵-۵. مبارزه با فساد و فاسدان

مبارزه با فساد یکی از مهم‌ترین محورهای گفتمانی مقتدی صدر است. او دایره مبارزه با فساد را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسعه داده است. مقتدی صدر در مورد مسئله قدرت، نظام سیاسی و ارتباط مذهب و مرجعیت با سیاست دیدگاه‌های خاصی دارد. صدر درباره مشروعیت قدرت می‌گوید: «قدرت در عراق باید به انسان‌های شریف واگذار شود، نه کسانی که با نیروهای اشغالگر همکاری می‌کنند.» استنباط عامیانه از این سخن مقتدی صدر آن است که واجدین شرایط واگذاری قدرت در عراق بسیار اندک هستند و تنها جریان پاک‌دست که صلاحیت تصاحب قدرت در عراق را دارد، جریان صدر است. مقتدی صدر ویژگی‌های مذهبی و بومی یا عربی برای قدرت و نظام سیاسی در عراق قائل است و بر این

اساس، با گرایش نظام سیاسی به قدرت‌های خارجی، به خصوص آمریکا مخالفت می‌کند. در ابتدای دوران پس از صدام، مقتدی صدر بر ایجاد نوعی حکومت اسلامی در عراق بسیار تأکید داشت و در خطبه‌های نماز جمعه خود نیز خواستار اسلامی شدن جامعه از طریق اقداماتی، مانند: ممنوعیت فروش مشروبات الکلی و حجاب اجباری برای زنان شد.

اگرچه در گفتمان مقتدی صدر موضوع مقابله با فساد برجسته است، به این نکته نیز باید توجه کرد که از سال ۲۰۰۵ تاکنون، مقتدی صدر شریک دولت‌های متعددی بوده است که روی کار آمده‌اند. از سال ۲۰۱۸ که مقتدی توانست بیشترین کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص دهد، محور تشکیل دولت در عراق بوده و مصطفی کاظمی با حمایت مقتدی صدر روی کار آمده است. بنابراین، مقتدی صدر در حالی داعیه مبارزه با فساد را دارد که خود بخشی از علل استقرار و استمرار وضعیت موجود در عراق است.

۶-۵. حوزه ناطقه در مقابل حوزه صامته

مقتدی صدر در یک تقسیم‌بندی کلی حوزه و مرجعیت را به دو دسته «حوزه و مراجع سنتی، صامت و غیرعمل‌گرا» و «حوزه و مراجع پیشرفته، ناطق و عمل‌گرا» تقسیم می‌کند. مقتدی که به «مقاومت فعال» در برابر نیروهای اشغالگر اعتقاد داشت، سکوت و گاه همراهی مرجعیت با روندهای تحت مدیریت بیگانگان را به صورت آشکار و پنهان نکوهش می‌کرد. به نظر او، مراجع تقلید به وظیفه شرعی خود در حمایت از مسلمانان عمل نمی‌کنند. او حوزه تحت رهبری مرجعیت را به کنایه، «حوزه خاموش» می‌نامد و در مقابل، جنبش خود را «حوزه گویا» خوانده است. حتی نشریه‌ای به نام الحوزه الناطقه توسط صدری‌ها منتشر شده است. در این دوگانه، «حوزه صامته» به بخشی از حوزه علمیه اطلاق می‌شود که چندان تمایلی به مداخله در امور سیاسی ندارد و رهبری آن را آیت‌الله سیستانی بر عهده دارد. در مقابل، «حوزه ناطقه» به بخشی از حوزه گفته می‌شود که دخالت مستقیم در مسائل اجتماعی و سیاسی را خواستار است و نماینده اصلی آن مقتدی صدر است. از نظر مقتدی صدر حوزه سنتی صامت و غیرعمل‌گرا تنها در امور دینی فتوی، جمع‌آوری خمس و مصرف آن فعالیت دارد و افرادی چون آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله بشیر نجفی و آیت‌الله اسحاق فیاض در عراق را می‌توان در شمار این دسته از مراجع جای داد.

مقتدی صدر دارای گفتمان قومی (عربی) و ملی (عراقی) است و به طور جدی از طرح مرجعیت عربی حمایت می‌کند. مقتدی صدر خود را فرزند یک مرجع عربی می‌داند و با این ادعا که در زمان خفقان و سرکوب رژیم صدام، خاندان صدر در عراق ماندند؛ سایر احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه را به عافیت‌طلبی متهم می‌کند. همچنین وی مجلس اعلی را جریانی وابسته به ایران می‌داند و آن را شماتت می‌کند. پایگاه اجتماعی مقتدی صدر مرهون سابقه پدرش و تصور تاریخی مردم از شهید آیت‌الله سیدمحمد صدر است. مقتدی صدر خود را وارث تاریخ مبارزه در عراق می‌داند و تلاش می‌کند این ایده را در جامعه پرورش دهد.

رویکرد و روابط جریان صدر با مرجعیت شیعی، به خصوص آیت‌الله سیستانی پرچالش و مخالفت‌آمیز بوده است. پس از درگذشت آیت‌الله خوئی، آیت‌الله سیدمحمد صدر مرجعیت آیت‌الله سیستانی را نپذیرفت و با شعار مرجعیت عربی توانست برخی از شیعیان و مقلدان سابق آیت‌الله خوئی را به دور خود جمع کند. آیت‌الله سیدمحمد صدر در دوره بعد از آیت‌الله خوئی در حال تبلیغ و بسط حیطه مرجعیت خود در نقاط مختلف عراق بود. طرفداران وی نیز تلاش کردند با انجام دادن اقدامات مختلف و حتی توسل به خشونت وی را به عنوان مرجع تراز اول در نجف و عراق معرفی کنند و این نهاد را به تدریج در انحصار خود بگیرند. طرح شعار مرجعیت عربی برای برخی شیعیان عراق که از عرق عرویت برخوردار بودند و به مراجع ایرانی تمایل چندانی نداشتند، جاذبه ایجاد می‌کرد (نجفی فیروزجائی، ۱۳۹۲: ۵۶). مقتدی صدر در چارچوب گرایش‌های عربی خود بر محوریت مراجع مستقر در نجف تأکید می‌کند و معتقد است که نجف پایتخت شیعیان جهان است (پشنگ، ۱۳۸۹). ازاین‌رو، یکی دیگر از دوگانه‌های گفتمانی مقتدی صدر دوگانه نجف - قم است.

بعد از شهادت آیت‌الله سیدمحمد صدر، مقتدی صدر و طرفداران وی دیدگاه مرجعیت عربی را همچنان مورد تأکید قرار می‌دهند. مقتدی صدر با طرح موضوع مرجعیت عربی، از پذیرش مرجعیت آیت‌الله سیستانی سر باز زد و از در مخالفت با وی درآمد. طرفدارانش با محاصره بیت آیت‌الله سیستانی، ضرب‌الاجل‌هایی برای خروج ایشان از عراق و بازگشت به ایران صادر کردند و حتی درگیری‌های مسلحانه در اطراف بیت ایشان صورت گرفت (نجفی فیروزجائی، ۱۳۹۲: ۵۶). با این حال، مقتدی صدر با توجه به جوانی و نداشتن تحصیلات حوزوی بالا برای ادعای مرجعیت، اعلام کرد بنا به توصیه پدرش، از آیت‌الله سیدکاظم





حائری تقلید می‌کند. به‌رغم توصیه شهید صدر دوم مبنی بر رجوع مقلدانش به آیت‌الله سیدکاظم حائری و تبعیت از ایشان در همه امور، آیت‌الله حائری نقشی در رهبری و هدایت جریان صدر نداشتند؛ زیرا در اغلب موارد، مقتدی صدر و هوادارانش تدابیر و منویات آیت‌الله حائری را نادیده گرفته، به آن عمل نمی‌کردند.

این وضعیت در بیانیه‌ای که آیت‌الله حائری در مورد کناره‌گیری خود از مرجعیت در ۷ شهریور ۱۴۰۱ صادر کردند، نمود پیدا کرد. ایشان در این بیانیه تصریح کردند:

بر فرزندان دو شهید صدر [سید محمدباقر صدر و سید محمدصادق صدر] که رحمت خدا بر آن دو باد، لازم است که بدانند دوستی آن دو شهید اگر با ایمان به روش آن دو در عمل صالح و با پیروی واقعی از اهداف آن دو (که برای رسیدن به همین اهداف شهید شدند) همراه نباشد، کفایت نخواهد کرد و بدانند که مجرد ادعا یا نسبت خویشاوندی با آن دو شهید کفایت نمی‌کند و هر کس تلاش کند به نام آن دو شهید بین فرزندان امت و مذهب تفرقه بیندازد یا به نام آن دو، رهبری را بر عهده گیرد، در حالی که فاقد اجتهاد یا سایر شرایط مشروط در رهبری شرعی است، در واقع، صدری نخواهد بود؛ هرچند چنین ادعایی کند یا نسبتی داشته باشد.

۶. کنش مقتدی صدر

۱-۶. عمل‌گرایی

عمل‌گرایی یا مکتب «اصالت عمل» در مقابل مکتب «اصالت اندیشه» تعریف شده است. عمل‌گراها در عرصه حکمرانی، اصالت را به نتایج می‌دهند تا آرمان‌ها و اهداف آرمانی. عمل‌گرایی کسب حداکثری سود را به‌عنوان نتیجه اعمال دنبال می‌کند و آرمان‌ها و اهداف ایدئولوژیک را تعقیب نمی‌کند. بسیاری از احزاب و جریان‌های اسلامی عراقی، از جمله جریان صدر از یک‌سو تلاش می‌کنند هویت اسلامی خود را حفظ کنند و از سوی دیگر، در عرصه عمل، کنش خود را متناسب با مقتضیات زمانی، ساختاری و سیاسی تنظیم می‌کنند. در واقع، هر روز کنش سیاسی سکولار در زیر پوست اسلام‌گرایی، در صحنه سیاسی عراق رقم می‌خورد. این پدیده را می‌توان با واژه «اسلام لیبرالی» توصیف کرد. این روند جامعه شیعه را با خود همراه کرده است. در پی تظاهرات گسترده خیابانی که در سال ۲۰۱۵ و بنا به فراخوان مقتدی صدر در بغداد صورت گرفت و با ورود تظاهرکنندگان به منطقه خضرا و پارلمان عراق به اوج خود رسید، انتصاب کارگزاران تکنوکرات در مصادر و مناصب دولتی

به یک مطالبه در بخش مهمی از جامعه شیعه - که از فساد و ناکارآمدی دولت به تنگ آمده بودند - تبدیل شد. تمایل روزافزون به کارگزاران تکنوکرات در عراق، نشانه واضحی از تمایل به عمل‌گرایی در حکمرانی است. اصرار بر انتخاب مصطفی الکاظمی به نخست‌وزیری توسط رهبر جریان صدر، در حالی که الکاظمی تناسبی با نظام کارگزاری مورد ادعای جریان صدر ندارد، و همچنین ائتلاف با شیوعی‌ها در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸، نشانه واضحی از اتخاذ رویکردهای عمل‌گرایانه و معطوف به نتیجه جریان صدر است.

۲-۶. بسیج هواداران برای اعمال فشار

در بین همه احزاب و جریان‌های سیاسی عراقی اعم از شیعه، سنی و کرد جریان صدر از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار است. جوانان پرشور و احساساتی که دل در گرو مقتدی صدر سپرده‌اند و قول و فعل او را برای خود حجت می‌دانند، بزرگ‌ترین سرمایه این جریان سیاسی به‌شمار می‌آیند. جریان صدر از طریق ایجاد یک شبکه گسترده حمایتی در بین اقشار فرودست شهری و با اتکا به حمایت‌های عشیره‌ای سرمایه اجتماعی درخور توجهی را برای خود فراهم کرده است. علاوه بر این، جریان صدر واجد یک شبکه سازمان‌دهنده هواداران است که در مقاطع مختلف، کارآمدی خود را به اثبات رسانده است. بررسی روند انتخابات‌های عراق نشان می‌دهد که جریان صدر از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ توانسته است در یک روند تصاعدی، تعداد کرسی‌های پارلمانی خود را افزایش دهد؛ به نحوی که در دو انتخابات ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱ بیشترین کرسی را کسب کرد.

مقتدی صدر در مقاطع مختلف ظرفیت اجتماعی خود را برای تأثیرگذاری در روند سیاسی و اعمال فشار بر حکومت یا رقبای سیاسی خود به میدان آورده است. در پی ناتوانی جریان صدر در تشکیل دولت پس از انتخابات پارلمانی زودهنگام در سال ۲۰۲۱، هواداران مقتدی صدر با حضور میدانی و نمایش قدرت خیابانی مانع از تکمیل روند سیاسی شده‌اند.

۳-۶. چرخش‌های راهبردی و تاکتیکی

یکی از ویژگی‌های مقتدی صدر این است که در سطوح تاکتیکی و راهبردی دائماً مسیر حرکت خود را تغییر می‌دهد. کسانی که از نزدیک با او مراوده داشته‌اند، تأیید می‌کنند که هیچ‌کس با قاطعیت نمی‌تواند تصمیمات و اقدامات بعدی مقتدی صدر را پیش‌بینی کند. شخصیت‌های سیاسی تصریح کرده‌اند در برخی مذاکرات با مقتدی صدر، در حالی که



تصور می‌کردند با او به تفاهم رسیده‌اند، پس از پایان جلسه با توثیتی از وی مواجه شده‌اند که هیچ تناسبی با تفاهمات فی‌مابین نداشته است. توافق در موضوع انتخاب هوشیار زیباری به سمت نامزدی ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۲ یکی از مواردی است که با وجود موافقت مقتدی صدر با انتخاب او در جلسات و حمایت از این انتخاب، در نهایت، مقتدی صدر با انتشار یک توثیت این انتخاب را زیر سؤال برد.

استعفای ناگهانی ۷۳ نماینده صدری از پارلمان، نمونه دیگری از تصمیمات دفعی و غیرقابل پیش‌بینی مقتدی صدر است. پس از معرفی محمد شیاع السودانی توسط چارچوب هماهنگی برای تصدی پست نخست‌وزیری، صدر هواداران خود را به خیابان‌ها کشاند و خواستار انحلال پارلمان شد. این در حالی است که مقتدی صدر می‌توانست این خواسته را زمانی که نمایندگانش در پارلمان حضور داشتند، مطرح و عملیاتی کند. کناره‌گیری مکرر از صحنه سیاسی و بازگشت دوباره به آن و همچنین تعطیلی چندباره دفاتر سیاسی و بازگشایی مجدد آن مصادیقی از چرخش‌های پرتکرار صدر در صحنه سیاسی است. شایان ذکر است چرخش‌های راهبردی و تاکتیکی مقتدی صدر در مقاطعی فرصت‌های خوبی برای او فراهم کرده و دستاوردهایی به همراه داشته است. کناره‌گیری از انتخابات زودهنگام پارلمانی ۲۰۲۱ و انصراف از این تصمیم، نمونه‌ای از چرخش‌های منفعت‌آور است که نقش مهمی در تحریک و بسیج هواداران ایفا کرد.

۷. عملکرد مقتدی صدر در تحولات اخیر

پس از برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی عراق در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱، جریان صدر به لطف قانون جدید انتخابات، سازماندهی مناسب کمپین‌های انتخاباتی، بسیج هواداران و کاهش مشارکت عمومی که به ضرر رقبای جریان صدر تمام شده بود، توانست بیشترین تعداد کرسی (۷۳ کرسی) را به دست آورد. نتایج انتخابات با اعتراض گسترده رقبای شیعه جریان صدر - که مدعی تقلب سازمان‌یافته در انتخابات بودند - مواجه شد و معترضان از طریق تظاهرات و تحصن خواستار ابطال نتایج انتخابات و برگزاری مجدد آن شدند. در نهایت، با تأیید رسمی نتایج انتخابات توسط کمیساریای عالی انتخابات، این اعتراضات فروکش کرد و معترضان به نتایج انتخابات تمکین کردند. اما اعتراض‌های گسترده جریان‌های شیعه رقیب جریان صدر به نتایج انتخابات نشان داد که مقتدی صدر در تشکیل

دولت با چالش‌های فراوانی مواجه خواهد شد.

پس از فروکش کردن اعتراض‌ها به نتایج انتخابات، رقبای شیعه مقتدی صدر در قالب یک نهاد ائتلافی با عنوان الاطار التنسیقی یا چارچوب هماهنگی منسجم شدند و توانستند از بین جریان‌های کرد (اتحادیه میهنی) و نمایندگان مستقل یارگیری کنند. در مقابل، مقتدی صدر رایزنی با حزب دموکرات کردستان (۳۳ کرسی) و ائتلاف دو جریان اصلی سنی (۵۱ کرسی)، یعنی ائتلاف تقدم به رهبری محمد حلبوسی و ائتلاف عزم به رهبری خمیس خنجر را آغاز کرد تا به زعم خود «حکومه اغلیبه وطنیه» را شکل بدهد. مقتدی صدر در این دوره از انتخابات اعلام کرد که به دنبال تشکیل حکومت اکثریت (برندگان) است و حاضر به تشکیل حکومت مشارکتی (برندگان و بازندگان) نیست و قرار نیست در این دوره سهمی از قدرت به بازندگان بدهد.

در اولین جلسه پارلمان، نمایندگان جریان صدر با کفن در پارلمان حاضر شدند و به این ترتیب، پیام واضحی را به سایر اطراف و اطياف پارلمان ارسال کردند. پس از تشنج ایجادشده در اولین جلسه پارلمان و توقف چند ساعته آن، در نهایت، «محمد حلبوسی» متحد مقتدی صدر به ریاست پارلمان منصوب شد. در ادامه، در غیاب نمایندگان چارچوب هماهنگی، نمایندگان صدری و متحدان آن به ریاست کمیسیون‌ها برگزیده شدند. در حالی که به نظر می‌رسید روند سیاسی به نفع جریان صدر پیش می‌رود، انتخاب رئیس‌جمهور با بن‌بست روبه‌رو شد. به‌طور سنتی و بر اساس توافق اتحادیه میهنی و حزب دموکرات مقرر شده بود منصب نخست‌وزیری اقلیم به حزب دموکرات و منصب ریاست‌جمهوری عراق به اتحادیه میهنی اختصاص یابد. اما حزب دموکرات که حمایت جریان صدر و دو جریان سنی تقدم و عزم را به همراه داشت، با ادعای اختصاص بیشترین کرسی‌های استان‌های کردی به حزب دموکرات، خواهان تصاحب پست ریاست‌جمهوری شد. ادعای حزب دموکرات از یک‌سو، و رویکرد غیرمشارکتی مقتدی صدر نسبت به سایر احزاب و جریان‌های شیعی از سوی دیگر، باعث شد چارچوب هماهنگی با همراهی اتحادیه میهنی و برخی دیگر از نامزدهای مستقل از طریق آبه‌ستراسیون مانع از تشکیل جلسات پارلمان برای انتخاب رئیس‌جمهور شوند. از آنجا که در جلسه انتخاب رئیس‌جمهور حضور دو سوم نمایندگان الزامی است، نمایندگان اقلیت که بیش از یک‌سوم نمایندگان پارلمان را تشکیل می‌دادند، در جلسات پارلمان شرکت نکردند و در قالب «ثلث معطل» مانع از برگزاری



جلسات پارلمان با دستورکار انتخاب رئیس‌جمهور شدند. البته نمایندگان مذکور خود را «ثلث ضامن» می‌نامند. مخالفت نمایندگان اقلیت با انتخاب رئیس‌جمهور مورد نظر جریان صدر و عدم مشارکت آنها در این فرایند باعث ایجاد بن‌بست سیاسی در عراق شد.

رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده بین احزاب و جریان‌های سیاسی عراق برای دستیابی به یک راه‌حل با هدف برون‌رفت از بن‌بست سیاسی، نتیجه‌بخش نبود و مقتدی صدر بر موضع خویش مبنی بر تشکیل دولت اکثریت و شعار «لا غریبه، لا شرقیه، حکومت اغلیبه وطنیه» پافشاری کرد. حتی فرصت تعیین‌شده از سوی مقتدی صدر برای چارچوب هماهنگی با هدف تشکیل دولت، به دلیل تحفظ حزب دموکرات و دو ائتلاف سنی نسبت به ائتلاف با رقبای جریان صدر به نتیجه نرسید. با تداوم بن‌بست سیاسی در عراق، به ناگاه مقتدی صدر در یک اقدام غافلگیرکننده نمایندگان این جریان را وادار به استعفا از پارلمان کرده و اعلام کرد که جریان صدر از روند سیاسی کناره‌گیری کرده است.

با استعفای ۷۳ نماینده جریان صدر از پارلمان، طبق قانون، نامزدهایی که بیشترین رأی را بعد از نماینده‌های تحت حمایت مقتدی صدر آورده بودند، جایگزین نمایندگان مستعفی شدند. اغلب نامزدهای جایگزین‌شده به احزاب و جریان‌های چارچوب هماهنگی وابسته بودند. به این ترتیب، اکثریت پارلمان در اختیار گروه‌های شیعه رقیب مقتدی صدر قرار گرفت و ظاهراً راه برای تشکیل دولت جدید باز شد. اما کاملاً واضح بود که مقتدی صدر به آسانی میدان را برای رقبا خالی نخواهد کرد.

در اولین اقدام پس از استعفای نمایندگان صدری از پارلمان، فایل‌های صوتی منتسب به «نوری المالکی» نخست‌وزیر سابق و از رهبران اصلی چارچوب هماهنگی، در رسانه‌ها منتشر شد. رابطه مقتدی صدر با نوری المالکی به دلیل اقدامات سخت مالکی در اولین دوره نخست‌وزیری اش (۲۰۱۰ - ۲۰۰۶) برای سرکوب و مهار بازوی نظامی جریان صدر - که جیش‌المهدی نامیده می‌شد - به شدت تیره و تار است. این رابطه تقریباً دشمنانه، تردیدی را باقی نگذاشت که این فایل‌های صوتی توسط هواداران صدر و با هدف تخریب چهره مالکی منتشر شده است. مقتدی صدر که در تلاش‌های گذشته‌اش به هدف خود مبنی بر ایجاد شکاف در چارچوب هماهنگی و انزوای نوری المالکی دست نیافته بود، بار دیگر از رهبران چارچوب هماهنگی (هادی عامری، عمار حکیم، قیس خزعلی، فالح فیاض، حیدر العبادی، همام حمودی و دیگران) خواست تا راه خود را از مالکی جدا کرده و از راهی که

می‌روند توبه کنند.

به‌رغم فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای سنگینی که علیه چارچوب هماهنگی ایجاد شده بود، رهبران چارچوب اعلام کردند که در مورد نخست‌وزیری محمد شیاع سودانی به توافق رسیده‌اند. انتخاب سودانی به‌دلیل آنکه (به‌رغم سابقه عضویتش در حزب الدعوه) یک شخصیت بی‌طرف شناخته می‌شود که کارنامه‌ای عاری از فساد دارد، این امید را ایجاد کرد که وی نظر و مشارکت بازیگران داخلی و خارجی مؤثر در صحنه عراق را جلب کرده و بتواند عراق را از بن‌بست ایجادشده خارج کند.

پس از اعلام رسمی نام محمد شیاع سودانی به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری از سوی چارچوب هماهنگی، در ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۲ هزاران معترض خشمگین شبانه وارد منطقه صدر شدند و به پارلمان عراق حمله کردند. ساعاتی پس از این اقدام، مقتدی صدر در تویییتی خطاب به هوادارانش گفت که «پیامشان دریافت شده و چشم فاسدان ترسیده و گوششان پیچانده شده است». او از معترضان صدری خواست که پس از خواندن دو رکعت نماز به خانه برگردند. اما این اعتراض و هجوم، به آن شب ختم نشد و سه روز بعد، پارلمان عراق توسط معترضانی که همگی طرفدار مقتدی صدر بودند، اشغال شد. در پی این اقدام، «محمد حلبوسی» رئیس پارلمان اعلام کرد که جلسات پارلمان تا اطلاع بعدی لغو شده است.

در ابتدا تصور می‌شد هجوم طرفداران مقتدی صدر به پارلمان و اشغال آن در اعتراض به نامزد نخست‌وزیری، محمد شیاع سودانی، از سوی جناح رقیب معروف به چارچوب هماهنگی بوده است. اما با توییت‌های مقتدی صدر آشکار شد که هدف، چیزی فراتر از مخالفت با نامزدی یک نفر برای پست نخست‌وزیری است. مقتدی صدر در یک توییت، اقدامات اعتراضی هواداران خود را که در آستانه ماه محرم آغاز شده بود، «ثوره محرم» نامید و خواهان انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودهنگام شد. وی تصریح کرد که این «آخرین فرصت عراقی‌ها» برای تغییر نظامی است که از زمان سقوط رژیم بعث روی کار آمده است.

اشغال پارلمان و تحصن صدری‌ها در خیابان‌های منتهی به پارلمان ادامه پیدا کرد. شواهد نشان می‌داد که این بار معترضان قصد ندارند صحنه را خالی کنند. طرفداران صدر با برپایی موکب‌هایی برای پذیرایی از معترضان یا به‌زعم خودشان انقلابیون و نگهداری احشام در اطراف پارلمان، تدارک لازم را برای باقی ماندن در صحنه اعتراض پیش‌بینی کرده بودند. «سرایا السلام» از مجموعه‌های نظامی وابسته به حشدالشعبی که تحت فرمان مقتدی صدر



فعالیت می‌کند، کنترل محوطه و مسیرهای منتهی به پارلمان را در اختیار گرفت تا مانع ورود افراد وابسته به گروه‌های رقیب به محوطه پارلمان شوند.

پس از جدیت چارچوب هماهنگی برای تکمیل فرایند سیاسی، مقتدی صدر به یک‌باره اعلام کرد که از سیاست کناره می‌گیرد. این اقدام مقتدی صدر و فضای احساسی و هیجانی که رسانه‌های جریان صدر از طریق عملیات روانی ایجاد کردند، باعث شد که هواداران خشمگین مقتدی صدر به منطقه خضرا هجوم آورند و برخی نهادهای حکومتی را اشغال کنند. نیروهای سرایاالسلام به‌عنوان شاخه نظامی جریان صدر به‌سرعت خود را به منطقه خضرا رساندند و یک جنگ مسلحانه تمام‌عیار در این منطقه بین نیروهای سرایاالسلام و نیروهای امنیتی رخ داد. این درگیری که به کشته شدن ده‌ها نفر منجر شد، با بیانیه آیت‌الله سیدکاظم حائری که مرجع تقلید صدری‌ها شناخته می‌شود، همراه شد. آیت‌الله حائری ضمن کناره‌گیری از مرجعیت و دعوت مؤمنان به اطاعت از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان شایسته‌ترین فرد برای رهبری امت اسلامی، فرزندان شهید صدر اول و شهید صدر دوم را به پرهیز از اقدامات تفرقه‌افکن توصیه کردند. در ادامه، مقتدی صدر با حضور در یک مصاحبه مطبوعاتی، ضمن تقبیح عملکرد خشونت‌آمیز هوادارانش، به آنها یک ساعت فرصت داد تا به درگیری‌ها پایان دهند و مناطق درگیری را رها کنند. این اقدام مقتدی صدر با تشویق و ترغیب بسیاری از سیاسیون عراقی مواجه شد.

برخی از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند که در حوادث اواخر آگوست ۲۰۲۲، جایگاه و موقعیت مقتدی صدر، به‌دلیل از دست دادن رهبری معنوی آیت‌الله حائری و ورود به یک عرصه چالشی خطرناک که در نهایت با عذرخواهی مقتدی صدر به پایان رسید، به‌شدت آسیب دیده است. اما به نظر می‌رسد مقتدی صدر با وارد و خارج کردن هواداران خود در یک درگیری مسلحانه - که شرایط امنیتی عراق را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است - نشان داد که قدرتمندترین شخصیت عراق است؛ به نحوی که با یک اشاره او فضای سیاسی و امنیتی عراق به‌شدت دگرگون می‌شود. از منظر دیگر، صدر از رقبای خود زهره چشم گرفت تا بداند بدون جلب نظر موافق مقتدی صدر، هرگونه تلاش در جهت تکمیل روند سیاسی با شکست مواجه خواهد شد.

در تحلیل کنش‌های مقتدی صدر در تحولات اخیر عراق باید گفت مقتدی صدر با شناخت دقیق از مخاطبانش توانسته است احساسات و عواطف آنها را به خدمت بگیرد. موضع‌گیری‌های دینی، مانند مخالفت با برگزاری فستیوال موسیقی و رقص در بغداد و موضع‌گیری‌های ملی، مانند واکنش شدید به حضور و اقدامات ارتش ترکیه در شمال عراق و حملات موشکی ایران به اربیل، در این راستا صورت گرفته است. هشتگ‌ها و امضاهایی که مقتدی صدر در انتهای توییت‌هایش می‌نویسد نیز در همین راستا قابل تحلیل هستند. مواردی مثل «خادم مستضعفان»، «مستضعف عراقی عربی»، «نوه امام حسین»، «شهروند عراقی»، «انقلابی حسینی» و امثال آن به شدت مخاطب خاص جریان صدر را تحریک می‌کند.

در اثنای اعتراضات هواداران صدری و اشغال پارلمان توسط آنها، مقتدی صدر تلاش کرد دوگانه‌ای را بر اساس فرهنگ عراق و شور و حال محرم ایجاد کند: «حسینی‌ها» و «یزیدی‌ها». مقتدی صدر در توییتی که در روز عاشورا منتشر کرد، از جمله‌ای منسوب به امام حسین (ع) استفاده کرد که خطاب به یزید گفتند: «قسم می‌خورم که با فاسدان بیعت نکنم». وی در توییت دیگری در ۱۲ آگوست، هم‌زمان با برگزاری تظاهراتی از سوی حامیان دو جناح در مناطق مختلف بغداد و استان‌های جنوبی عراق، طرفداران چارچوب هم‌هنگی را مخاطب قرار داد و نوشت:

آغوش ما به روی حامیان اطار و نه رهبرانشان باز است تا به شیوه امام حسین برای اصلاح فساد اقدام کنیم. اما اگر آنها نپذیرند، ما برای پیروی از خدا و عشق به سید اصلاحات، به راه خودمان برای اصلاحات ادامه می‌دهیم.

استفاده از کلیدواژه‌های «ثوار عاشورا»، «ثوره محرم مستمره» و «سرایا عاشورا» در معرفی خود و استفاده از کلیدواژه «انصار بنی‌امیه» در معرفی مخالفان نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است.

این دوگانه‌سازی و غیریت‌سازی که از سوی مقتدی صدر و به تبع ایشان، از سوی فعالان رسانه‌ای اش انجام می‌شود، به شدت بر طرفداران جریان صدر تأثیر گذاشته است. بسیاری از طرفداران مقتدی، رهبران و طرفداران چارچوب هم‌هنگی را به دلیل عدم بیعت با مقتدی صدر و عدم پیروی از او شیعه نمی‌دانند. خبرنگار بی‌بی‌سی که در بین هواداران مقتدی صدر - که در اطراف پارلمان تحصن کرده بودند - حضور یافته بود، از قول یکی از آنها نوشت:

طرف دیگر فقط ادعای شیعه بودن دارد. اما شیعه واقعی سیدمقتدی و انصارش



هستند. تنها فرق بین حسین(ع) و سید، این است که حسین، ۷۲ بار داشت و ما انصار سیدمقتدی، میلیون‌ها نفر هستیم. ... نبین الان لباس معمولی به تن داریم. بیشتر ما اعضای سرایا السلام هستیم و رهبران اشاره کند، با فاسدان و دشمنان حسین(ع) به جنگ خواهیم رفت و از شهادت ابایی نداریم.

این فضای دوقطبی در فضای مجازی هم ایجاد شده است و حامیان دو طرف به شدت علیه یکدیگر موضع‌گیری می‌کنند. تصاویر زیادی در کانال‌های تلگرامی منسوب به هواداران مقتدی صدر منتشر شده که او را در قامت امام حسین(ع) و شمشیر به دست، در جنگ با رهبران چارچوب هماهنگی به مثابه یزیدیان نشان می‌دهد.

صدری‌ها با استفاده از کلیدواژه‌هایی، مانند: «الحشد ایرانی، الميلیشیات الحشد الايرانيه، الميلیشیات الفارسیه، الحشد الولائی الايراني و ميلیشیا الاطار الايراني» تلاش می‌کنند مخالفان خود را وابسته به ایران معرفی کنند تا با تحریک حس ملی‌گرایی طرفداران خود، از ظرفیت آنها به نفع خود و در راستای تحقق اغراض سیاسی‌شان بهره‌برداری کنند. کش مقتدی صدر و دستگاه تبلیغاتی - رسانه‌ای او در تحولات اخیر نشان می‌دهد که مقتدی صدر در سطح گفتمانی تلاش می‌کند تا با تحریک شکاف عربی - عجمی و ایجاد دوگانه‌های حسینی - یزیدی، اصلاحات - فساد و غیره، ظرفیت‌های جریان خود را آزاد کرده و ظرفیت‌های جدیدی را ایجاد کند. این قبیل شکاف‌ها و دوگانه‌ها به دلیل آنکه در تاریخ و فرهنگ سیاسی عراق مسبوق به سابقه بوده و با ذهنیت انسان عراقی پیوند خورده‌اند، از ظرفیت بسیج‌کنندگی بالایی برخوردارند.

مقتدی صدر در حالی خواهان یک انقلاب مسالمت‌آمیز در عراق است که شیوه عمل طرفداران او در میدان، به کودتا شباهت دارد. طرفداران مقتدی صدر با اتکا به شبکه‌ای از گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جریان صدر، نهادهای حکومتی را یکی پس از دیگری اشغال کردند. اقداماتی مانند: اشغال پارلمان عراق (مجلس نواب) و کاخ ریاست‌جمهوری و قدرت‌نمایی در مقابل دادگاه عالی فدرال و به تعطیلی کشاندن این نهادها (در حالی که به جز طرفداران مقتدی صدر هیچ یک از جریان‌ها و احزاب سیاسی و اجتماعی اصلی عراق از این اقدامات حمایت نکردند) و این قبیل اعتراض‌ها و اقدامات نتوانستند همراهی و حمایت عمومی را کسب کنند. لذا نمی‌توان آنها را ذیل کش‌های معطوف به انقلاب طبقه‌بندی کرد.

در مورد انگیزه‌های مقتدی صدر طیفی از تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها وجود دارد. در یک

سوی طیف، طرفداران متعصب او قرار دارند که اقدامات مقتدی را مصلحانه، مشفقانه و از روی صدق می‌دانند که برای نجات کشور و ملت عراق از شر فاسدان صورت می‌گیرد. در منتهی‌الیه آن سوی طیف، دشمنان یا منتقدان سرسخت مقتدی صدر قرار دارند. آنها مقتدی صدر را فردی جاه‌طلب معرفی می‌کنند که سودای رهبری مطلق عراق را در سر دارد. از نظر آنها در صورت تحقق مطالبات مقتدی صدر، او به دیکتاتور عراق تبدیل خواهد شد. بدون در نظر گرفتن نیات و انگیزه‌های مقتدی صدر و بدون مؤثر دانستن این نیات و انگیزه‌ها در تحلیل رفتار وی در صحنه سیاسی عراق، ویژگی بارز رفتار مقتدی صدر در دوران پس از انتخابات پارلمانی زودهنگام عراق در اکتبر ۲۰۲۱، «نادیده گرفتن قانون و عرف سیاسی حاکم بر عراق پس از ۲۰۰۳» بوده است.

بر اساس قانون اساسی عراق، نخست‌وزیر از سوی ائتلافی متشکل از نصف به علاوه یک نمایندگان پارلمان (۱۶۵ نماینده) انتخاب می‌شود. بنابراین، اگر تعداد کرسی‌های جریان پیروز در انتخابات به حد نصاب ۱۶۵ کرسی نرسد، جریان پیروز باید نظر مساعد سایر احزاب و جریان‌های سیاسی را برای دستیابی به فراکسیون اکثریت جلب کند و متقابلاً سایر احزاب و جریان‌های سیاسی با داشتن نصف به علاوه یک^۱ یا یک سوم به علاوه یک^۲ کرسی‌های پارلمان می‌توانند بر روند سیاسی تأثیر بگذارند.

در انتخابات ۲۰۲۱، مقتدی صدر با شعار تشکیل دولت حداکثری به جای دولت مشارکتی در نظر داشت تا احزاب، جریان‌ها و ائتلاف‌هایی را که از آنها دل خوشی نداشت، از مشارکت در دولت محروم کند. مقتدی صدر به دلیل اختلافات قدیمی با «نوری مالکی» رهبر ائتلاف دولت قانون، حاضر به مشارکت ائتلاف تحت رهبری وی در روند تشکیل دولت نبود. این در حالی است که بر اساس عرف سیاسی عراق که بر دموکراسی مشارکتی، توافقی یا سهمیه‌ای استوار است، همه احزاب و جریان‌های سیاسی عراق بر اساس وزن سیاسی‌شان که در انتخابات مشخص شده در دولت مشارکت کرده، از آن سهم می‌برند. این عرف که متناسب با رفتار اجتماعی متکثر عراق و فرهنگ سیاسی سهم‌خواهانه جریان‌های

۱. در صورتی که جریان‌ها و احزاب مخالف با جریان یا ائتلاف پیروز در انتخابات، نصف به علاوه یک کرسی‌های پارلمان را در اختیار داشته باشند، جریان یا ائتلاف پیروز در انتخابات قادر به معرفی نخست‌وزیر نخواهد بود.

۲. در صورتی که جریان‌ها و احزاب مخالف با جریان یا ائتلاف پیروز در انتخابات، یک سوم به علاوه یک کرسی‌های پارلمان را در اختیار داشته باشند، می‌توانند از طریق آبهتراکسیون مانع از انتخاب رئیس‌جمهور به عنوان مقدمه‌ای برای انتخاب نخست‌وزیر شوند.

قدرتمند سیاسی و اجتماعی عراقی است، در انتخابات‌های پارلمانی قبلی در مورد همه جریان‌های سیاسی، از جمله جریان صدر رعایت شده بود. در انتخابات سال ۲۰۱۰، جریان صدر در ائتلاف با سایر جریان‌های شیعه، مانند مجلس اعلی در دولتی که با محوریت ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی تشکیل شد، مشارکت داده شد. در انتخابات ۲۰۱۴ نیز به جریان صدر که در قالب کتله‌الاحرار در انتخابات شرکت کرده بود، در دولتی که ائتلاف به رهبری نوری المالکی محور تشکیل آن بود، سهم داده شد.

با توجه به این رویکرد مقتدی صدر، اغلب احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه که این اقدام مقتدی صدر را باعث ایجاد شکاف در مکتب شیعی، تغییر توازن بین مکونات عراق به ضرر مکتب شیعه و تبدیل این رویکرد به یک عرف و رویه سیاسی غلط تلقی می‌کردند، در قالب یک مجموعه سیاسی به نام چارچوب هماهنگی (اطار التنیقی) مجتمع شدند تا از شکل‌گیری یک دولت تک‌ساخت و تمامیت‌خواه که تداعی‌کننده بازگشت دیکتاتوری به عراق است، جلوگیری کنند. در ادامه، چارچوب هماهنگی با همراهی اتحادیه میهنی و برخی از نمایندگان مستقل و با استفاده از ظرفیت قانونی آبستراکسیون، از به حد نصاب رسیدن پارلمان برای انتخاب رئیس‌جمهور ممانعت کردند تا مانع از انتخاب نخست‌وزیر از سوی ائتلافی شوند که جریان‌های مهم شیعه و کرد را نادیده گرفته است.

ناکامی جریان صدر در انتخاب رئیس‌جمهور به‌عنوان مقدمه‌ای برای انتخاب نخست‌وزیر، باعث شد مقتدی صدر در یک اقدام غافلگیرکننده، همه ۷۳ نماینده وابسته به جریان صدر را وادار به استعفا از پارلمان کند. مقتدی صدر تصور می‌کرد با این اقدام می‌تواند مقدمات انحلال پارلمان را فراهم کند؛ در حالی که بر اساس قانون، در صورت استعفای یک نماینده از پارلمان، فردی که در انتخابات بیشترین آرا را پس از او به دست آورده است، راهی پارلمان می‌شود. به این ترتیب، ۷۳ نماینده جدید به پارلمان راه یافتند که اکثریت آنها به احزاب و جریان‌های عضو چارچوب هماهنگی وابسته بودند. در واقع، مقتدی صدر با این اقدام خود، شرایط را برای انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مورد نظر چارچوب هماهنگی و احزاب و جریان‌های متحد آن فراهم کرد. چارچوب هماهنگی برخلاف مقتدی صدر، رویکرد تمامیت‌خواهانه اتخاذ نکرد و از همه جریان‌های سیاسی، از جمله جریان صدر برای هم‌اندیشی در خصوص انتخاب نخست‌وزیر دعوت کرد. اما این دعوت از سوی جریان صدر اجابت نشد.

پس از آنکه چارچوب هماهنگی در خصوص انتخاب محمد شیاع سودانی برای احراز پست نخست‌وزیری به اجماع رسید و از رئیس پارلمان عراق خواست تا انتخاب رئیس‌جمهور و سپس نخست‌وزیر را در دستورکار پارلمان قرار دهد، طرفداران خشمگین مقتدی صدر به منطقه سبز حمله و پارلمان عراق را اشغال کردند تا از تشکیل جلسات پارلمان برای تکمیل فرایند سیاسی با هدف تشکیل دولت جلوگیری کنند. مقتدی صدر با اعلام ضرورت انحلال پارلمان عراق، این بار نوک پیکان حملات خود را به سوی دادگاه عالی فدرال نشانه گرفت تا با نظر این دادگاه، پارلمان عراق منحل شود. این در حالی است که مقتدی صدر می‌توانست قبل از وادار کردن نمایندگان وابسته به خود، با اتکا به سازوکارهای قانونی و جلب حمایت شرکای کرد و سنی، موضوع انحلال پارلمان را دنبال کند.

از این مقطع به بعد بود که گفتمان مقتدی صدر از «اصلاحات» به «انقلاب» تغییر ماهیت پیدا کرد. مقتدی سیاست «فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا» را برای تحقق اهداف خود اتخاذ کرد. این سیاست تا اشغال کاخ ریاست‌جمهوری توسط طرفداران مقتدی صدر و حضور میدانی آنها در اطراف دادگاه عالی فدرال ادامه پیدا کرد تا حدی که با حضور افراد مسلح وابسته به جریان صدر در منطقه خضرا، عراق تا آستانه جنگ داخلی پیش رفت. با وخیم شدن شرایط و با توصیه‌ها و پیام‌هایی که از داخل و خارج عراق به مقتدی صدر ارسال شد، او پس از گذشت حدود ۲۴ ساعت جنگ مسلحانه در منطقه خضرا - که به تعطیلی کل عراق منجر شده بود - ضمن شماتت هوادارانش، از آنها خواست تا ظرف مدت یک ساعت منطقه خضرا را تخلیه کنند.

مقتدی صدر در جریان حوادث منطقه خضرا از همه جریان‌های سیاسی زهر چشم گرفت. او ثابت کرد با یک پیام می‌تواند عراق را به آشوب بکشانند یا آرامش را به این کشور بازگرداند. این زهر چشم مقتدی صدر ممکن است نوعی ترس توأم با شجاعت و انسجام در سایر گروه‌های سیاسی ایجاد کند. با وجود آنکه مقتدی صدر برای هفتمین بار اعلام کرد که از صحنه سیاسی کناره گرفته است، تجربه گذشته نشان می‌دهد که این اعلام، مقدمه‌ای برای بازگشت قدرتمندانه‌تر او به عرصه سیاسی است. بازگشت مقتدرانه مقتدی صدر به عرصه سیاسی باعث می‌شود که فشار خیابانی برای تأثیرگذاری در روند سیاسی به یک عرف و رویه تبدیل شود. این امر به مذاق عراق دیکتاتورزده و کنشگران سیاسی آن خوش نخواهد آمد.

اگر مقتدی صدر بتواند مخالفان شیعه خود را حذف و قلع و قمع کند، در آینده به سراغ



مخالفتش در دو مکون کرد و سنی خواهد رفت. دو مکون اهل سنت و کرد با آگاهی از این موضوع، تمایل دارند که مقتدی صدر توسط رقبای شیعه‌اش بالانس شود. اگر حرف صدر به کرسی بنشیند، در آینده چالش صدر با کردها و اهل سنت خواهد بود؛ چیزی که کردها و اهل سنت به آن تمایل ندارند.

نتیجه‌گیری

تکثر در حوزه سیاسی از ویژگی‌های عراق در دوران جدید به‌شمار می‌آید و نظامات حقوقی و ساختاری عراق بر همین اساس سازمان‌دهی و قوام پیدا کرده‌اند. در پرتو تکثر سیاسی، نیروهای سیاسی و اجتماعی عراقی از فضای کنشگری نسبتاً بالایی برخوردار شده‌اند. این وضعیت که در واکنش به شرایط خفقان و استبداد مطلق دوران حاکمیت حزب بعث پدید آمده است، واجد فرصت‌های ارزشمندی در راستای اعمال حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت مردم عراق است. اما هم‌زمان، تهدیدهایی مثل بی‌ثباتی مزمن سیاسی را نیز به‌دنبال داشته است. به‌جز اولین دوره انتخابات پارلمانی که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، در سایر انتخابات‌ها توافق بین احزاب و جریان‌های سیاسی در مورد تشکیل دولت با دشواری‌ها و چالش‌های متعددی همراه بوده است. در روند تشکیل دولت، احزاب و جریان‌های سیاسی از یک‌سو منافع شخصی، حزبی و جریانی و از سوی دیگر، منافع طایفه‌ای (قومی و مذهبی) را ملاک هرگونه ائتلاف سیاسی قرار می‌دهند.

جریان صدر یک جریان اسلام‌گرای شیعی است که با محوریت خاندان صدر و شخص آیت‌الله شهید سید محمد صدر تشکیل شده است. شهید صدر به‌دلیل شیوه سلوک خاص خود و حضور در میان مردم و ارتباط با مردم کوچه و بازار، تأثیر زیادی در توده شیعیان عراق داشت. به اعتقاد برخی، او مرجعی غیرسنتی بود که فضای متعارف حوزه علمیه نجف را بر هم زد و بر خلاف شیوه معمول مراجع تقلید رفتار می‌کرد. جریان صدر یک جنبش اجتماعی بومی و ریشه‌دار در میان طبقه فقیر شیعیان شهرنشین در بغداد است. این شیعیان محروم در گذشته توسط حکومت‌های سنی سرکوب و اغلب از سوی نخبگان شیعه نادیده گرفته شده‌اند و صدری‌ها و رهبری آن را مدافع و محقق‌کننده منافع خود می‌دانند. پس از سقوط رژیم صدام، مقتدی صدر میراث اجتماعی پدر خود را تصاحب کرد و به رهبر یکی از جریان‌های سیاسی اصلی عراق تبدیل شد.

در طول سال‌های پس از ۲۰۰۳، جریان صدر هم‌زمان با حفظ و ارتقای پایگاه اجتماعی خود در میان شیعیان، به تدریج پایگاه سیاسی خود را نیز تقویت کرد؛ به نحوی که در انتخابات پارلمانی سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱ بیشترین کرسی پارلمان را از آن خود کرد و به محور تشکیل دولت در عراق تبدیل شد. از آنجا که جریان صدر یک جریان شخص‌محور است که حول آیت‌الله شهید سید محمد صدر و پس از آن، حول فرزند ایشان مقتدی صدر شکل گرفته است، برای بررسی این جریان سیاسی باید رهبر و شخص محوری آن را مورد مطالعه قرار داد.

این مقاله در بررسی عملکرد مقتدی صدر به عنوان یک رهبر سیاسی، به ویژه عملکرد وی در تحولات اخیر عراق که این کشور را تا لبه پرتگاه جنگ داخلی پیش برده است، مبانی و چارچوب‌های نظریه پوپولیسم را به عنوان چارچوب بحث و بررسی خود برگزیده و مقتدی صدر را در سه سطح ایدئولوژی، گفتمان و کنش سیاسی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اگرچه مقتدی صدر اسلام‌گرایی را به عنوان ایدئولوژی خود تبلیغ می‌کند، اما اسلام سیاسی را به مثابه ابزاری برای دستیابی به اهداف خود برگزیده است. کنش کاملاً عمل‌گرایانه مقتدی صدر که ناظر به تحلیل آنی وضعیت و کنشگری بر اساس مقتضیات آن و اولویت دادن عمل به اندیشه است، مؤید ابزاری بودن ایدئولوژی برای مقتدی صدر است.

در سطح گفتمانی، مقتدی صدر منظومه گفتمانی خود را بر پایه دال‌هایی، مانند: تشکیل حکومت اسلامی و اجرای شریعت اسلامی، مقاومت ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، مقابله با مداخلات خارجی، اقتدار دولت، مبارزه با فساد و مفسدان، حوزه ناطقه در مقابل حوزه صامته و ناسیونالیسم عربی - عراقی سازمان داده است. اگرچه اغلب دال‌های گفتمانی مقتدی صدر مطلوب و ارزشمند هستند، اما صاحب این گفتمان در بسیاری از موارد با مضامین و ادبیات هیجانی و غیریت‌سازی کاذب، دوقطبی‌های اجتماعی را با هدف بسیج هواداران و آزاد کردن ظرفیت‌های آنها ایجاد کرده است تا در آوردگاه‌های سیاسی از آن بهره‌برداری کند. مقتدی صدر از طریق روان‌شناسی مخاطب، دائماً گفتمان خود را بر پایه مطالبات آنها به‌روزرسانی می‌کند. به عبارت دیگر، گفتمان مقتدی صدر یک شبهه‌گفتمان مردم‌محور است که متناسب با نیاز آنی مخاطب ساخته و پرداخته شده است. عمل‌گرایی، بسیج هواداران و چرخش‌های ناگهانی در سطح تاکتیکی و راهبردی ویژگی‌های کنش



سیاسی مقتدی صدر به شمار می‌روند. این چارچوب‌های کنش، مؤید رویکرد پوپولیستی مقتدی صدر در عرصه سیاسی است.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مقتدی صدر در طول سال‌های ۲۰۰۳ به بعد، با اتخاذ رویکردهای پوپولیستی در سطوح مختلف ایدئولوژی، گفتمان و کنش سیاسی توانسته است همراهی بخش در خور توجهی از توده‌ها را کسب کرده و سرمایه اجتماعی خود را به سرمایه سیاسی تبدیل کند و روندهای سیاسی — اجتماعی عراق، از جمله روند تشکیل دولت جدید در عراق در دوران پس از انتخابات زودهنگام پارلمانی ۲۰۲۱ را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع و مآخذ

- الزبیدی، حسن لطیف؛ نعمه محمد العبادی و عاطف لافی السعدون (۱۳۹۵)، عراق در جست‌وجوی آینده، ترجمه علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ایرنا (۱۴۰۱)، قانون جرم‌انگاری رابطه با رژیم صهیونیستی در پارلمان عراق تصویب شد، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/۸۴۷۶۸۲۴۴>
- پشنگ، اردشیر (۱۳۸۹)، مقتدی صدر موافق فدرالیسم در کردستان عراق، ۱۹ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در: <http://ardeshir۵۸.persianblog.ir/post/۲۷۵>
- حاتمی، عباس (۱۳۹۴)، «پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم: ابزارهایی نرم برای يك اقتدارگرایی سخت»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۲، تابستان.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی و سیدمحمدامیر و محسن شفیعی (۱۳۹۷)، «پوپولیسم راست در اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا و زمینه‌های شکل‌گیری آن»، فصلنامه رهیافت‌های علمی و بین‌المللی، دوره ۱۰، ش ۱، پیاپی ۵۵، پاییز.
- رؤوف، عادل (۲۰۰۱)، العمل الاسلامی فی العراق بین المرجعیه و الحزبیه: دراسه نقدیه لمسیره نصف قرن (۱۹۵۰ - ۲۰۰۰)، دمشق: المركز العراقی للاعلام و الدراسات.
- رؤوف، عادل (۱۹۹۹)، محمدصادق الصدر: مرجعیه الميدان، مشروعه التغييری و وقائع الاغتيال، دمشق: المركز العراقی للاعلام و الدراسات.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «درآمدی نظری بر مفهوم، ماهیت و عملکرد پوپولیسم»، فصلنامه رهیافت‌های علمی و بین‌المللی، دوره ۱۱، ش ۲، پیاپی ۶۰، زمستان.
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۱)، سازمان سری القاعده، ترجمه فرزاد شهیدی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- نجفی فیروزجائی، عباس (۱۳۹۲)، «جریان‌شناسی شیعیان عراق: جناح صدر»، پژوهشنامه جنبش‌های اسلامی خاورمیانه، مرکز تحقیقات استراتژیک، زمستان.
- نظری، علی اشرف و برهان سلیمی (۱۳۹۴)، فصلنامه دولت‌پژوهی، دوره ۱، ش ۴، زمستان.
- al-Amin, Hazem (۲۰۰۴) Moqtada al-Sadr: Leader of Orphans, Al Ahram, June ۲۰۰۴.
- Bonikowski, Bart and Gidron, Noam (۲۰۱۳) Varieties of Populism: Literature Review and Research Agenda, Weatherhead Working Paper Series, No. ۱۳۰۰۰۴ Canovan, M. (۱۹۸۱) Populism, London: Junction Books.
- Glantz, Aaron (۲۰۰۵) Shia Party Rises From the Ashes, InterPress Service, February ۲۸, ۲۰۰۵.
- Jabar, Faleh (۲۰۰۴) The Shi'ite Movement in Iraq, London: Saqi Books.
- International Crisis Group (۲۰۰۷) Shiite Politics in Iraq: The Role of the Supreme Council, November ۲۰۰۷.

- International Crisis Group (۲۰۰۶) “Muqtada Al-Sadr: Spoiler or Stabilizer?” Latif, Ali (۲۰۰۷) The Dawa Party’s Eventful Past and Tentative Future, Arab Reform Bulletin, May ۲۰۰۷.
- International Crisis Group (۲۰۰۸) Iraq’s Civil War, the Sadrists and the Surge, February ۲۰۰۸.
- Mouzelis, N (۱۹۸۵) On the Concept of Populism: Populist and Clientelist Modes of Incorporation in Semiperipheral Polities. Politics and Society ۱۴, No. ۳.
- Suter, C (۱۹۹۴) ‘Genesis and Dynamics of Populist Regimes at the Periphery’ in Conflicts and New Departures in World Society, ed. Volker Bornschier, Peter Lengyel, New jersey: Transaction press.
- Urrutia, M (۱۹۹۱) “On the Absence of Economic Populism in Colombia” in, the Macroeconomics of Populism in Latin America, edited, Dorenbusch, R & Edwards, Chicago: University of Chicago Press.

